

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه  
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1392/01/18



### ادامه بحث از روایت ابن محبوب

بحث ما درباره بیان اقوال نسبت به ازاله نجاست از محل سجود هست. قول اول این بود که واجب است ازاله نجاست از موضع سجده فقط. این قول را گفتیم مشهور یا اجماعی است و نص صحیحی هم در این رابطه آمده است که صحیحی حسن بن محبوب بود و سند هم صحیحی است و دلالت هم کامل اما فقه الحدیث مشکلاتی داشت که در آن صحیحی آمده بود «الماء و النار قد طهراه» آب و آتش آن جص را پاک می کند. سوال این بود که آب و آتش که مطهر نیست؟ سید الاستاد فرمودند: آتش هم می تواند مطهر باشد منتها از باب سبب مطهر که مطهر استحاله است و آب هم ممکن است گچ را که می خواهند استفاده کنند، آب بریزند و آن آب هم نقش تطهیر را ایفاء می کند. این فرمایش سید الاستاد قدس الله نفسه الزکیه بود. اما نکته تحقیقی در این رابطه این است که درباره فقه الحدیث سید الحکیم [1] می فرماید: ظاهر این جمله قابل فهم نیست و متعذر است. چون آب و آتش که مطهر نیست و توجیهی که سید الاستاد فرمودند نسبت به خود عذر و عظام موتی که در روایت آمده بود، مطهر می شود اما جص که استحاله نمی شود بلکه طبخ می شود. بنابراین به چه صورت بگوییم اینجا نار تطهیر کرد؟ توجیهی که در این رابطه می توانیم ارائه بدهیم این است که خود جص به عنوان اینکه از عناصر زمین آلوده به عذر بوده بعد که آتش گرفت و عذر خاکستر شد، عین نجاست که در جص قرار گرفته بود از بین می رود اما خود ملاقات جص با نجاست باقی خواهد ماند که برای رفع ملاقات از آب استفاده می کند. به تعبیر دیگر جص با عذر ملاقات بکند بعد جص را می پزند، آیا سجده به آن جص جایز است، امام رضا سلام الله تعالی علیه فرمود: جایز است برای اینکه آب و آتش پاک می کند و آتش استحاله به وجود می آورد و آب تطهیر و شستشو می کند. آخرین توجیهی که امکان دارد این است. ولی حقیقت مطلب این است که تبعیض در استفاده از روایت اشکال ندارد

چنانچه نقل روايت در شكل تقطيع هم اشكال ندارد.  
 قول دوم لزوم طهارت محل مواضع هفتگانه در سجده  
 اما قول دوم اين است که شرط است ازاله نجاست از مواضع سبعة يعني هفت موضعي که  
 در سجده گذاشته مي شود، بايد مکان طاهر باشد.  
 بيان ابي صلاح حلبی در کافی في الفقه از فقهاي اقدمين  
 اين قول را ابي صلاح حلبی که از اقدمين است و شاگرد سيد مرتضي است، مي فرمايد: «لا  
 يجوز السجود بشئ من الاعضاء السبع الا علي محل طاهر [2]». اما دليل بر اين مطلب  
 چیست؟

نظر سيد طباطبائي در اين باره  
 سيد الحكيم مي فرمايد: «لم نجد له شاهدا سوي معاقد الاجماع» شاهدي براي اين  
 عنوان نيافتيم غير از موارد اجماعات که بگوييم اجماعاتي که درباره ازاله نجاست از موضع  
 سجود آمده است، اين اجماعات موضع سجود را مواضع اعلام بکند. اما اجماع اينجا قدر  
 متيقن دارد و اطلاقي ندارد و دليل لبي است و قدر متيقن آن موضع جبهه است نه ساير  
 مواضع.

نظر مرحوم آقاي خويي (لم يظهر له وجه)  
 اما سيد الاستاد قدس الله نفسه الزكية مي فرمايد: «لم يظهر له وجه» قولي است که گفته  
 شده با صراحت از سوي شيخ اقدم اما وجه ظاهري ندارد.  
 استناد به روايت وسايل الشيعه در طهارت مساجد سبعة  
 مگر اينکه به نبوي استناد بشود. از پيامبر اعظم صلي الله عليه و آله و سلم نقل شده است  
 که فرمود: «جَنَّبُوا مَسَاجِدَكُمْ النَّجَاسَةَ» [3] مساجدتان را از نجاست دور بداريد که مساجد  
 هم تطبيق بکند به مواضع سبعة چون مساجد سبعة اصطلاح فقهي است. البته مساجد  
 سبعة در مدينه هم هست ولي آن مساجد سبعة تاريخ است و مساجد سبعة فقه همين  
 موضع بدن که در حالت سجود به زمين گذاشته مي شود.  
 اشكال بر روايت مذکور

اما سيد الاستاد مي فرمايد: اين روايت اشکالات متعددي دارد: 1. نبوي است و سند ندارد.  
 طريق اهل بيت است که وصل مي شود با پيامبر که پيامبر فرموده است «تارك فيکم  
 الثقلين کتاب الله و عترتي» که سند و طريق عترت است و نبوي تنها باشد طريق قطع شده  
 است. پس سند ضعيف است 2. دلالت هم مي فرمايد: ممکن است منظور از اين مساجد  
 بيوت آماده براي عبادت باشد يعني همين مساجدي که مصلا هستند که در عربي جامع مي  
 گویند مثل مسجد قبا و مسجد الرسول و مسجد جامع. جَنَّبُوا مَسَاجِدَكُمْ النَّجَاسَةَ يعني ازاله  
 نجاست از مساجد واجب است و دلالتش کامل درست و متن هم به اين تطبيق مي کند.

ذکر روايت ابواب مساجد وسايل الشيعه

مي فرمايد: شاهدي هم هست که منظور از اين مساجد همين بيوت عبادي است که آن از  
 حضرت رسول صلي الله عليه و آله و سلم که مي فرمايد: «جَنَّبُوا مَسَاجِدَكُمْ الْبَيْعَ وَ الشَّرَاءَ وَ  
 الْمَجَانِينَ وَ الصَّبِيَّانَ» [4] که اين معلوم است که مساجد بيوت است پس ربط به مدعا ندارد.  
 مي فرمايد: بر فرضي که بگوييم اين مساجد در اين روايت مساجد سبعة حال ساجد باشد،  
 باز هم دلالتش کامل نيست. چون ممکن است آن مساجد که در سجده اعلام شده است،

فقط مسجد جبهه باشد براي اينکه انصراف وجود دارد. ازاله نجاست و مسجد جبهه ارتباطي دارند که باعث انصراف مي شود که منظور از مساجد در حالت سجده هم همان مسجد جبهه باشد و به صورت جمع که آمده است به اعتبار نمازگذاران است. کل مصلين مساجدتان را ازاله نجاست داشته باشيد. در نتيجه اين توضيح و تحقيق معلوم شد که قول دوم دليلي که اظهار بشود، ديده نمي شود.

توجيه قول ابي صلاح حلي

شيخ حلي با آن عظمت و آن قدمت فتوا را با آن صراحت که اعلام مي کند، دليل را بيان نکرده است و سيد الحکيم مي فرمايد «لم نجد له شاهد» و سيد الاستاد «لم يظهر له دليل» اما دليل که قطعاً دارد و ان شاء الله در نهايت همين قسمت از بحث دليلي دارد اما ايشان دليلي بيان نفرموده است.

قول سوم وجوب ازاله نجاست از تمام مکان مصلي

قول سوم اين است که گفته مي شود که ازاله نجاست واجب است از مکان مصلي نه تنها از موضع سجده که قول اول بود و نه تنها از مواضع سبعة که قول دوم بود، واجب است ازاله نجاست از تمام مکاني که مصلي در آن نماز مي خواند مثلاً. سجاده اي که بر روي آن نماز مي خواند بايد پاک و طاهر باشد.

بيان نظر سيد مرتضي و فخر المحققين

قول سوم منسوب است به سيد مرتضي قدس الله نفسه الزکيه و شهيد اول [5] اين مطلب را ذکر مي کند و نسبت مي دهد به سيد مرتضي قدس الله نفسه الزکيه. فخر المحققين [6] فرزند علامه حلي هم مي فرمايد: تمام مکان مصلي نه تنها مواضع هفتگانه بلکه کل آن مکان بايد پاک باشد. فخر المحققين اين حکم را به والدش هم نسبت مي دهد منتها در تذکره و منتهي اين مطلب تصريح نشده و مي گويد والد هم رأيش همين است. پس مطلب از لحاظ اقوال از قدرت و عظمتي برخوردار است.

استناد به نصوص وارده

ادله دال بر اثبات اين مطلب عبارت است از نصوص معتبره اي که آمده است.

موثقه ابن بکير

از اين نصوص، اولين روايت عبارت است از موثقه عبد الله بن بکير سند: و باسناده عن الحسين بن سعيد که اسناد شيخ طوسي به حسين بن سعيد اهوازي صحيح است عن صفوان عن عبد الله بن بکير که از ثقات است ولي امامي المذهب نيست و حديث مي شود موثقه. «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الشَّاذِ كُونَةِ يُصِيبُهَا الْإِحْتِلَامُ أَوْ يُصَلِّي عَلَيْهَا فَقَالَ لَا». [7] سوال کردم از امام صادق عليه السلام از فرش خاص زيراندازي که موقع استراحت مضروب است و بافته است در يمن. (اين کلمه ظاهراً فارسي است چون در يمن اين اصطلاح وجود دارد و يمن هم قسمت قابل توجهي قبلاً ايراني ها رفته اند يمن قبل از اسلام و يمن ارتباطي داشته است با ايران). فرشي است که براي استراحت و جواني آنجا خوابيده و محتلم شده و فرش آلوده شده است أَوْ يُصَلِّي عَلَيْهَا فَقَالَ لَا». پس مکان آلوده است و نمي شود نماز خواند. تنها اگر موضع سجده بود که «لا» معنا نداشت چون موضع سجده که قطعاً معلوم نيست که نجس باشد و «لا» يعني تمام مکان مصلي بايد پاک باشد.

موثقه عمار ساباطي

اما روايت دوم موثقه عمار و عنه (در روايت قبلي باسناده عن محمد بن احمد بن يحيي است و روايت بعدي مي گويد و عنه كه اينجا مرجع ضمير مي شود محمد بن احمد بن يحيي. در روايت قبلي اسمي كه از راوي ذكر شده بود، روايت بعدي كه عنه بگويد ضمير به آن راوي هست كه در اول روايت قبلي آمده است). عنه يعني محمد بن احمد بن يحيي كه اسناد شيخ به محمد بن احمد بن يحيي اسناد درستي است. عنه عن احمد بن الحسن بن علي بن فضال كه ثقة هستند عن عمرو بن سعيد كه موثقه است عن مصدقه بن صدقه عن عمار ساباطي. بنو ضال كه در سند آمده است، سند مي شود موثقه چون اينها واقفي شده اند از اين جهت بنو فضال در اين سند آمده و عمار ساباطي هم امامي نيست پس اين روايت موثقه است. «سُئِلَ عَنِ الْمَوْضِعِ الْقَذِرِ يَكُونُ فِي الْبَيْتِ أَوْ غَيْرِهِ فَلَا تُصِيبُهُ الشَّمْسُ وَ لَكِنَّهُ قَدْ يَبَسُ الْمَوْضِعُ الْقَذِرُ قَالَ لَا يُصَلِّي عَلَيْهِ» [8]. سوال شده است از امام كه جاي نجس و آلوده اي بود در بيت يا مكان ديگر كه آفتاب نخورده كه تطهير بشود و خودش خشك شده، آيا مي شود در آن مكان نماز بجا آورد؟ امام مي فرمايد: لَا يُصَلِّي عَلَيْهِ در آن مكاني كه نجاست وجود داشته هرچند الان رطوبت ندارد و مكان نجس است، نماز در آن مكان جايز نيست. اين موثقه هم دلالت دارد بر اينكه مكان مصلي بايد تماما پاك باشد و نجاستي اگر در آنجا هست بايد ازاله بشود. اين دو روايت كه دلالتش خوب بود و سند هم مشكلي نداشت.

#### روايت كنز العمال

مضافا بر اين دو روايت، به روايات نبوي هم استدلال شده است: روايتي از پيامبر آمده است كه «لا تصلوا في المجذره و المبذره [9]» در كشتارگاه جايي كه قصابي مي شود كه خون در آنجا وجود دارد و جاي مذبزه يعني محل زباله و نجاست است، آنجا هم نماز نخوانيد چون مكان آلوده است و دلالت دارد بر اينكه مكان بايد طاهر باشد. تا به اينجا دو دليل هست كه دو تا موثقه بود و يك مؤيد هم حديث نبوي

#### تناسب حكم و موضوع

و دليل سوم هم تناسب حكم و موضوع. به مناسبت نماز و عبادت مكان بايد پاك و طاهر باشد. يكي از مناسبتها بسيار برجسته و واضحي است كه مكان مصلي بايد پاك باشد. اضافه كنيد كه مرتكز در ذهن متشرعه اين است كه مكان بايد پاك باشد.

#### سيره متشرعه

دليل پنجم هم سيره متدينين بر اين است كه در مكان پاكي نماز بخواند و اگر مكان آلوده باشد سجاده پهن مي كنند و اگر سجاده هم نباشد پارچه اي تميزي پهن مي كنند. با اين پنج تا دليل رأي سوم كه عبارت است از حكم به وجوب ازاله نجاست از مكان مصلي ثابت مي شود.

#### بررسي قول سوم

بررسي اين ادله و حكم نهايي ان شاء الله جلسه آينده.

[1] 1. مستمسك العروه الوثقي ، جلد 1 ، صفحه 490.

[2] 2. كافي ، صفحه 140.

- [3] 1. وسائل الشيعه ، جلد 5 ، باب 24 از ابواب احكام مساجد ، حديث 2.
- [4] 2. وسائل الشيعه ، جلد 5 ، باب 27 از ابواب احكام مساجد ، حديث 2.
- [5] 1. ذكرى ، صفحه 150.
- [6] 2. ايضاح الفوائد ، جلد 1 ، صفحه 90.
- [7] 3. وسائل الشيعه ، جلد 2 ، باب 30 از ابواب نجاسات ، حديث 6.
- [8] 1. وسائل الشيعه ، جلد 3 ، باب 29 از ابواب نجاسات ، حديث 4.
- [9] 2. كنز العمال ، جلد 7 ، صفحه 332.